

## شهرهای «ویگل» و «هراسکان» در انتقال از عصر ساسانیان به دوران اسلامی با اتکاء به داده‌های باستان‌شناختی

دکتر حسن کریمیان

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

محسن جاوری

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه تهران

ازص ۶۳ تا ۸۳

### چکیده:

محوطه وسیع باستانی ویگل که در شمال شهرستان آران و بیدگل واقع شده است، در پاییز سال ۱۳۸۵ توسط نگارندگان، شناسایی و تحت بررسی روشمند باستان‌شناختی قرار گرفت که در نتیجه، بقایای دو شهر مستقل از هم با دو قلعه حکومتی مجزا شناسایی گردید. از آنجایی که به غیر از قلعه‌های مذکور، سایر فضاهای شهری، آثار معماری و قطعات مواد فرهنگی در زیر شنهای روان مدفون شده بودند، بررسی‌های باستان‌شناختی به دشواری انجام گرفت لیکن به جهت آنکه این شنها سبب حفاظت از این آثار نیز بوده‌اند، قطعات آثار فرهنگی در وضعیتی نسبتاً سالم به دست آمدند.

به هر حال، گروه توانست با کسب اجازه از پژوهشکده باستان‌شناسی، محدوده‌ای قریب به ۱۰۰ هکتار از عرصه و حریم شهرهای مذکور را تحت بررسی قرار دهد. گاه‌نگاری داده‌های سطحی روشن ساخت که این دو شهر از دوره ساسانی تا پایان حکمرانی سلاجقه بر ایران، یعنی اواخر قرن ششم هجری، مسکون بوده‌اند.

در مقاله حاضر تلاش گردیده تا پس از معرفی فشرده این دو شهر، با تحلیل نتایج داده‌های حاصل از بررسی‌های میدانی ادوار استقرار، فرم و عملکرد این دو شهر، مشخص و در حد امکان، دلایل انقراض آنها مورد تحلیل قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: شهر ساسانی، شهر اسلامی، فضاهای شهری، ویگل، هراسکان.

### مقدمه:

شهر، نهادی مدنی است که در نقطه‌ای از محیط زیست انسانی شکل می‌یابد (حکمتی و کبیر: ص ۸۳)، رشد و توسعه نموده و اجزاء و عناصر کالبدی آن صورت ظاهر به خود می‌گیرد. یکی از ارکان تأثیرگذار بر ایجاد، فرم، توسعه و استمرار حیات یک شهر باورهای مذهبی و ایدئولوژی سازندگان آن می‌باشد (karimian, 2010: 459). این تأثیر به خصوص پس از ورود اسلام به ایران و تغییر نگرش مردم به حدی شگرف است که بر اساس آن می‌توان تاریخ شهرسازی ایران را به دو دوره شهرسازی پیش از اسلام و دوره اسلامی متمایز ساخت (فلامکی:

ص ۲). اگرچه اطلاعات ما از چگونگی شکل‌یابی، ویژگی‌های کالبدی، خصوصیات فضایی، و حتی تعداد شهرهای گروه اول اندک است (کریمیان: ۵: ۵-۶)، لیکن این نقیصه در خصوص شهرهای قرون اولیه اسلامی بسیار چشمگیر به نظر می‌رسد.

با ورود اسلام به ایران و تغییر باورهای مذهبی حاکمان و مردم، شهرها نیز دستخوش تحولات شگرفی شدند و ضمن وفاداری به پاره‌ای از اصول دیرین خود، تعاریف و مفاهیم نوینی در ساخت، توسعه، مدیریت و تداوم آنها مطرح گردید. برخی از شهرهای بازمانده از دوره ساسانی خود را با دگرگونیهای عمیق اجتماعی و فرهنگی متأثر از تحولات سیاسی - مذهبی هم‌نوا ساخته و حیاتشان استمرار یافت و گروهی نیز متروک گشته و چنان از میان رفتند که امروزه جز نامی از آنها در دست نیست. بدین ترتیب، یک خلأ جدی در مطالعه شهرهای ادوار ساسانی و سده‌های اولیه و میانی اسلامی به وجود آمده است که ضرورت انجام بررسی‌های باستان‌شناختی را مضاعف می‌سازد.

به هر حال، پاسخ به پرسشهایی در زمینه میزان دگرگونی فرم، عملکرد فضاهای شهری، سازمان اجتماعی ساکنان شهرهای انتقال یافته و نیز دلایل اضمحلال آنها بدون انجام مطالعات باستان‌شناسی امکان‌پذیر نمی‌باشد. در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا با اتکاء به داده‌های حاصل از بررسی‌های باستان‌شناختی در دو شهر انتقال یافته از دوران ساسانی به دوران اسلامی، حتی‌الامکان به پرسشهای مطرح‌شده فوق پاسخ گفته شود؛ به عبارت دیگر، تحقیق حاضر بر آن است تا به مدد یافته‌های باستان‌شناختی در دو شهر مورد مطالعه، گوشه‌ای از زوایای مبهم تاریخ شهرسازی ایران را روشن نماید.

### پیشینه و روش پژوهش:

محوطه تاریخی ویگل در موقعیت  $34^{\circ}00'$  شمالی و  $51^{\circ}30'$  شرقی در ۱۰ کیلومتری جنوب شهر امروزی آران و بیدگل در استان اصفهان واقع شده است (نقشه شماره ۱). این محوطه وسیع فرهنگی که در حال حاضر با لایه ضخیمی از شنهای روان پوشش یافته، از نظر توپوگرافی، محدوده‌ای است با تپه‌های شنی کوچک و بزرگ که عموماً به دلیل تمرکز شن بر روی آثار معماری بوجود آمده است. در شرایط حاضر درختچه‌های طاق و گز که بخش عمده سطح محوطه را پوشانده، مانع از حرکت و جابه‌جایی شنهای روان شده‌اند.

متعاقب کشف این محوطه باستانی در سال ۱۳۸۴، برنامه پژوهشی شناسایی و بررسی باستان‌شناختی آن با اخذ مجوز از سازمان میراث فرهنگی ایران در پائیز ۱۳۸۵ به انجام رسید<sup>(۱)</sup>. بدین منظور در ابتدای کار، این محوطه در سطحی برابر ۱۳۰ هکتار مورد نقشه‌برداری توپوگرافی قرار گرفت (نقشه شماره ۲) و سپس تمامی محدوده مورد نظر جدول‌بندی و به بلوک‌های ۵۰ متری تقسیم و کدگذاری شد. در مرحله بعد، پیمایش سطحی محوطه آغاز<sup>(۲)</sup> (تصویر شماره ۱) و داده‌های شاخص فرهنگی هر کدام از خانه‌ها جمع‌آوری و کلیه عوارض غیرطبیعی نظیر آثار معماری و برجستگی‌های موضعی، شناسایی و ثبت گردیدند. در این بررسی تنها در ۴۷ بلوک، آثار و مواد فرهنگی مورد ملاحظه قرار گرفت که پراکندگی آنها در نقشه شماره ۳ نشان داده شده است. از این بلوکها مجموعاً ۴۹۰۵ قطعه اثر منقول فرهنگی نمونه‌برداری شد (تصویر شماره ۲) که هر قطعه منفرداً مستندسازی شد که پس از پردازش، اطلاعات شایان توجهی از این روند حاصل آمد که به ضرورت در بخشهای مرتبط نوشتار حاضر ارائه می‌گردد.

**منظر:**

همانگونه که در توپوگرافی تهیه شده قابل رؤیت می‌باشد، بخش عمده‌ای از این محوطه با پشته‌های کوچک و بزرگ ماسه‌ای پوشیده شده است. در این محوطه، دو قلعه به فاصله ۶۰۰ متر از یکدیگر مورد شناسایی و با نامهای قلعه شرقی و غربی نامگذاری شدند (W و E در نقشه شماره ۲).

با توجه به توزیع مکانی داده‌های سطحی منقول و غیرمنقول می‌توان تأیید نمود که به جز در بخشهای شمالی، هر دو قلعه به وسیله مناطق مسکونی احاطه شده بودند. قسمت‌هایی از این فضاها، در هر نقطه که شناسایی در اثر حفاریات غیر مجاز و یا بعضاً بر اثر عوامل طبیعی کنار رفته‌اند، قابل رؤیت است.

توزیع مکانی داده‌های سطحی همچنین حکایت از آن دارند که نواری به عرض تقریبی ۱۵۰ متر در حد فاصل این دو محوطه فرهنگی، خالی از هر گونه آثار است و این امر را می‌توان دلیلی بر مجزا بودن این دو قلعه و آثار پیرامونی آنها از همدیگر به حساب آورد. به عبارت دیگر، باید پذیرفت که دو شهرک منفصل از هم در این مکان شکل یافته بودند که هر کدام، از قلعه حکومتی، بافت مسکونی و تأسیسات دفاعی و حتی قنات مستقلی بهره‌مند بودند.

از سوی دیگر، توزیع داده‌ها نشان داد که این دو محل به لحاظ الگوی استقرار نیز متفاوت از هم شکل یافته‌اند؛ به این ترتیب که محله‌های مسکونی پای قلعه شرقی در امتداد محور غربی- شرقی گسترش یافته‌اند، حال آنکه واحدهای مسکونی پای قلعه غربی عموماً در امتداد محور فرعی شمال غربی - جنوب شرقی گسترده شده‌اند (نقشه شماره ۴). در بررسیهای میدانی دو رشته قنات نیز شناسایی شد که یکی در امتداد جنوب به شمال، تأمین‌کننده آب شهر شرقی بوده و دیگری در بخش غربی با جهت جنوب شرقی - شمال غربی به شهر غربی منتهی می‌گردد. شایان ذکر است این دو رشته قنات که از کوهپایه‌های کرکس سرچشمه گرفته‌اند به طریقی معنادار از هم منفک و پس از تأمین آب این دو شهر با امتداد به جانب شمال غربی به شهرهای آران و بیدگل و سپس کاشان می‌رسند.

از آنجایی که متون و منابع تاریخی از وجود دو شهر مجاور هم به نامهای «ویگل» و «هراسکان» در نزدیکی کاشان (قاسان) و نوش آباد (انوش آباد) خبر می‌دهند که خوارزمشاه بدانها لشکر کشیده است (الحسنی الراوندی القاسانی، ۱۳۳۴: ۸۴)، به احتمال بسیار زیاد می‌توان گفت که دو محوطه شناسایی شده همین دو شهر مذکورند. در این خصوص یکی از شعرای قرن ششم هجری بنام «ابی الرضا راوندی قاسانی» در دیوان خود به این نام‌ها اشاره نموده و به شرح واقعه می‌پردازد.<sup>(۳)</sup> بر همین اساس نگارندگان، دو محوطه مکشوفه را با نامهای اولیه‌شان نامگذاری نمودند. هر چند که به درستی معلوم نیست کدامیک از آنها «ویگل» و کدام «هراسکان» است. به هر حال، تا انجام حفاریات باستان‌شناختی در محوطه‌های مذکور، که احتمالاً مشکل نامگذاری این دو محوطه را حل خواهد نمود، آنها را با جهت جغرافیایی به نامهای «محوطه شرقی» و «محوطه غربی» نامگذاری نموده و در ادامه، ویژگیهای فضایی آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

**۱- محوطه شرقی:**

همانگونه که آوردیم، شاخص‌ترین بخش از هر دو محوطه فرهنگی مکشوفه، قلعه‌ای است که با ارتفاعی

مشرف بر سایر محله‌ها احداث شده و بدین جهت قلعه حکومتی نام گرفته است. ابعاد قلعه محوطه شرقی ۶۰ ۱۰۰ متر می‌باشد که در محور شمال شرقی به جنوب غربی (منطبق بر جهت قبله) ایجاد و تماماً از خشت و چینه ساخته شده است. با توجه به وجود خشتهای دارای ابعاد ۹ ۴۰ ۴۰ سانتیمتری، که در قسمتهای تحتانی باروی قلعه و برخی فضاهاى درونی آن شناسایی شده‌اند، و همچنین حضور سفالهای مشخص دوره ساسانی که در اطراف قلعه پراکنده‌اند، می‌توان قدمت آن را به دوره ساسانی رساند. متأسفانه بخش عمده‌ای از فضاهاى داخلی این قلعه در سالهای اخیر بر اثر اقدامات سوداگران اموال فرهنگی با لودر تخریب و زیر و رو شده و اطلاعات خاصی از آن مستفاد نمی‌شود. در کل، این قلعه از دیوارهای قطور و بلندی برخوردار بوده که قسمتهایی از آن همچنان با ارتفاع ۱۰ متر نسبت به محوطه‌های اطراف باقی مانده است (تصویر شماره ۳). آثاری چون طاقچه‌ها، طاق‌نماها و داغ طاق‌های باقی‌مانده بر بدنه دیوارها نشان می‌دهد که واحدهای درونی قلعه، دست کم به صورت سه طبقه و به ترتیبی کاملاً متراکم احداث شده بودند. همانگونه که در تصویر شماره ۴ قابل ملاحظه است، پیرامون اضلاع شمال، شرق محوطه غربی و غرب این قلعه را یک پشته هلالی شکل بزرگ از شنهای روان، که ارتفاع آن به ۷ متر می‌رسد، احاطه کرده است. در حد فاصل این پشته شنی و دیوار دفاعی قلعه، یک گودی قوسی شکل ملاحظه می‌شود که با توجه به ساختار زمین شناختی از خاک لوم تشکیل شده است. به نظر می‌رسد این اختلاف سطح به واسطه برداشت میزان زیادی خاک، جهت تولید خشت و ایجاد چینه برای احداث این قلعه ایجاد گردیده که با گذشت زمان به دلیل جهت وزش باد شرقی - غربی، شنهای روان در پشت آن انباشته شده و پشته مرتفع مورد بحث را به وجود آورده است.

متقابلاً در ضلع جنوب شرقی قلعه، یک محوطه باز قرار دارد که هم اکنون با درختچه‌های طاق و گز پوشیده شده است. در این قسمتها نیز نشانه‌هایی دال بر وجود معماری در سطح و لیکن مدفون در شن، مشهود و انواع فراوانی از گونه‌های مختلف سفال نیز در محیط، پراکنده است (تصویر شماره ۵). با توجه به شواهد موجود به نظر می‌رسد بخش مسکونی شهر عمدتاً از ضلع جنوب شرقی، رو به جانب شرق در یک محور امتداد داشته است.

## ۲- محوطه غربی:

شاخص‌ترین بخش این محوطه نیز قلعه‌ای است که با ابعاد ۱۰۰ ۱۲۰ متر در ۶۰۰ متری غرب قلعه شرقی و دقیقاً در همان راستا، یعنی شمال شرق - جنوب غرب و به ترتیبی که بر جهت قبله منطبق باشد، احداث گردیده است (نقشه شماره ۵). به جز باروی قلعه، بخش عمده ساختمانهای آن به مرور زمان از میان رفته و تنها در قسمت شمال غربی آن بقایای ساختمانی با دیوارهای قطور و فضاهاى وسیع‌تر و مرتفع‌تر از سایر فضاها قابل رؤیت است که احتمالاً بخش حاکم‌نشین قلعه بوده است. عیناً همانند قلعه شرقی، این قلعه نیز از جانب شمال غربی با پشته‌ای از شن محاط شده و بدین جهت به نظر می‌رسد که در گودی قرار گرفته است. حال آنکه خندق خشک پیرامونش، به جهت استفاده از خاک برای ساخت قلعه به وجود آمده است. در ضلع جنوب شرقی این قلعه نیز یک محوطه باز وجود دارد که بر سطح آن انواع سفالینه‌های دوران اسلامی و به ویژه قرون میانی و بعضاً سفالهای دوره ساسانی پراکنده است.

## کیفیت فضاها :

### الف) فضاهای شهری:

با وجود اینکه بخش عمده دو شهرک مکشوفه مورد وصف در دل شن و ماسه‌های روان مدفون است، لیکن با اتکاء به شواهدی نظیر آثار معماری، داده‌های سفالی، قطعات کاشی و بقایای فعالیت‌های صنعتی می‌توان عملکرد محله‌های آنها را معین نمود؛ بر همین اساس، کاربری مناطقی نظیر بازار، مسجد، محله‌های مسکونی، حاکم نشین و مراکز فعالیتهای صنعتی معین گردیده‌اند.

چنان‌که پیشتر گفته شد، بخشهایی از آثار معماری این محوطه‌ها بر اثر حفاری‌های غیرمجاز و یا به واسطه فرسایش طبیعی از زیر شن بیرون آمده‌اند. با توجه به کیفیت ظهور این شواهد - که بر سلامت نسبی آنها دلالت دارد - و فقدان آثار سوختگی و یا تخریب ناشی از بروز درگیری و جنگ و حوادث آگاهانه دیگر در آنها، این نظر قابلیت طرح می‌یابد که شهرهای مورد مطالعه - به طور آگاهانه و تدریجاً - متروک گردیده‌اند.

از سوی دیگر، نظر به اینکه نمونه‌های سفالی به لحاظ گاه‌نگاری از دوره سلجوقی جلوتر نمی‌روند، این دوره را می‌توان زمان ترک شهر توسط شهروندان به حساب آورد. این نظریه با گزارشی تاریخی همخوانی دارد که بیان می‌کند مردم شیعه مذهب این شهرها به روزگار ملک‌شاه سلجوقی به دلایل مذهبی و سیاسی مورد حمله سربازان این سلطان متعصب به سنت قرار گرفته و قلع و قمع شده‌اند. هر چند این حمله به لحاظ زمانی با رهایی و ترک شهرها مصادف بوده، لیکن نمی‌تواند علت قطعی متروکه شدن آنها قلمداد گردد؛ به ویژه آنکه در آثار معماری باقی مانده، اثری از خشونت دیده نمی‌شود. از این رو، علت اصلی ترک شهرهای مورد مطالعه را بایستی در عوامل دیگری که شاید مهمترین آنها تغییرات آب و هوایی و زیست محیطی و کمبود منابع آبی باشد جستجو کرد. بی‌شک، رشد و گسترش یک شهر و افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش سطح زیرکشت و انواع مصارف عمومی بی‌رویه در محدوده‌ای که از نظر منابع آبی در محدودیت است ممکن است موجبات خشک شدن قنات‌ها و چاههای آب را فراهم ساخته باشد که این وضع مهلک می‌تواند به عنوان یکی دیگر از عوامل مؤثر در متروک شدن این شهر مورد ملاحظه قرار گیرد.

### ب) فضاهای معماری:

مطالعه نمونه‌هایی ثبت شده از آثار معماری، روشن ساخت که در اجرای فضاهای مسکونی این محوطه‌ها از «چینه» و «خشت» به عنوان مصالح اصلی، بهره برداری و «آجر» به عنوان مصالح فرعی و ثانوی استفاده گردیده است. شیوه کار بدین صورت است که جرزهای اصلی، تا پطاق فضاها، به صورت چند لایه از چینه بنا شده‌اند. بدین منظور، پس از هر ۶۰ سانتیمتر چینه، یک رج خشت چیده شده و مجدداً بر روی آن یک لایه قطور دیگر چینه به کار رفته که این رویه تا پطاق ادامه یافته است. از آن پس، پاقها را با خشت به شیوه «چینش پُر»<sup>(۴)</sup> و با استفاده از چفدهای هلالی به روش طاق آهنگ اجرا کرده‌اند (طرح ۱). شایان ذکر است اثری از چفدهای جناغی در فضاها دیده نمی‌شود.

بر اساس شواهد موجود، بدنه داخلی اتاقهای مسکونی را با یک لایه از کاهگل ساده آستر کرده‌اند و در برخی موارد، همانند آنچه در اتاق واقع در خانه D13 ثبت گردیده، با یک رنگ اخرازی روی آن را

رنگ آمیزی نموده‌اند. در نمونه‌هایی دیگر، شبیه آنچه در اتاق مسکونی واقع در خانه E6 به ثبت رسیده، سطح دیوار پس از یک روکش گچی با رنگ قرمز اخراپی رنگ آمیزی شده است (تصویر شماره ۶). در این اتاق، اثر چند لایه از ترمیم آستری گچی مشهود است که از تداوم استفاده از اتاق و تجدید روکش گچی و رنگ آمیزی آن حکایت دارد. در کف یکی از اتاقها که طی گمانه‌زنی‌های اخیر به دست آمده<sup>(۵)</sup> (خانه H8، ترانشه TTV17) اثر آجر فرش دیده می‌شود و استفاده از این ماده ساختمانی را در پوشش کف فضاهای مسکونی تأیید نمود (تصویر شماره ۷).

### داده‌های فرهنگی:

با انتقال اطلاعات حاصله از داده‌های منقول سطحی به برنامه رایانه‌ای صفحه گسترده و پردازش آنها نتایجی حاصل آمد که ذیلاً بخشهایی از آن در جهت نیل به اهداف پژوهش حاضر ارائه می‌گردد:

**- توزیع زمانی:** گاهنگاری داده‌های سفالی مؤید آن است که استقرار در این دو محوطه از عصر ساسانیان تا روزگار سلاجقه ادامه داشته است. آن گونه که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، در محوطه شرقی شواهد فرهنگی مرتبط با عصر ساسانیان (۷٪) و دو قرن اولیة هجری (۸٪) در مقایسه با داده‌های قرون سوم و چهارم هجری (۷۴٪) بسیار اندک است و این میزان در دوره سلجوقی به ۱۱٪ می‌رسد. این داده‌ها علاوه بر آنکه توالی استقرار از دوره ساسانی تا دوره سلجوقی در این دو شهر را نشان می‌دهند، بیانگر آن هستند که محوطه‌های هراسکان و ویگل طی قرون سوم و چهارم هجری بیش از سایر دوره‌ها رونق داشته‌اند. طرحهای شماره ۱ تا ۴ نمونه‌هایی از قطعات شاخص شناسایی شده از ادوار ساسانیان تا سلجوقیان را قابل رؤیت ساخته است.

نکته شایان توجه آن است که توزیع کمی داده‌ها در دو محوطه یکسان نیست. آن گونه که نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد کمیت داده‌های متعلق به ساسانیان در محوطه غربی ۱۷/۳۱ درصد است حال آنکه آثار ساسانی در محوطه شرقی تنها به ۰/۱ درصد می‌رسد. به علاوه در حالیکه داده‌های قرون اوّل و دوم هجری در محوطه غربی به کمترین حدّ ممکن (۰/۱) رسیده، این میزان در محوطه شرقی ۱۰/۲۰ درصد است. در کمال ناباوری داده‌های متعلق به قرون سه و چهار هجری در هر دو محوطه با اندکی اختلاف تقریباً یکسان و در محوطه شرقی معادل ۷۳/۴۷ درصد و در محوطه غربی ۷۹/۰۹ درصد بوده است. جالب آنکه در حالی که آثار دوره سلجوقی در محوطه غربی به ۹/۱ درصد می‌رسید، در محوطه شرقی تنها با اندکی افزایش میزان ۱۰/۶۱ درصد را نشان می‌دهد.

در تحلیل داده‌ها می‌توان گفت که احتمالاً محوطه غربی در روزگار ساسانیان از رونق بیشتری برخوردار بوده و این اهمیت در قرون اولیة اسلامی کاهش چشمگیری یافته است. یافته‌ها همچنین مؤید آن هستند که در قرون سوم و چهارم هجری، این دو محوطه در بیشترین سطح از فعالیت اقتصادی و رونق و آبادانی قرار داشته‌اند.

**- توزیع مکانی:** همان گونه که نقشه شماره ۲ نشان می‌دهد، از نظر پراکنش بیشترین میزان سفال به خانه‌های E2 با ۴۷۴ قطعه و E21 با ۴۷۳ قطعه و کمترین تعداد به خانه‌های F3 و C21 با سه قطعه سفال تعلق دارد. حاصل آنکه این قسمتها مبین فعالیت گسترده‌تری نسبت به سایر بخشهای این محوطه می‌باشد که

در نتیجه به افزایش میزان داده‌ها منجر گشته است.

**- الگوی گسترش شهر:** توزیع مکانی داده‌های سطحی همچنین نشانگر آن است که هر دو محوطه به جانب جنوب غرب، یعنی جهت قبله، توسعه یافته‌اند (نقشه شماره ۴). پرهیز از بادهایی که عموماً از سوی شرق به غرب در جریان است را می‌توان از شاخصه‌های اصلی در تعیین جهت توسعه شهر به حساب آورد. با توجه به آثار معماری ثبت شده در بررسیهای سطحی، می‌توان گفت فضاهاى مسکونی این دو شهر بر محور شمالی - جنوبی (رون اصفهان)<sup>(۶)</sup> شکل یافته‌اند. روشن است که اظهار نظر قطعی در خصوص جهت اصلی محله‌های شهری تنها با انجام کاوشهای باستان‌شناختی در این دو محوطه امکان‌پذیر خواهد بود.

### نتیجه‌گیری:

با ملاحظه توالی تاریخی داده‌های باستان‌شناختی و فقدان اطلاعات جامع از شهرهای ایران در ادوار ساسانی و قرون اولیه اسلامی و به ویژه کمبود یافته‌های مرتبط با شهرهای کویری در این ادوار، یافته‌های تحقیق حاضر از آن جهت که الگوی مناسبی را در مطالعه فرم و عملکرد شهرهای ادوار مذکور تأمین ساخته، حائز اهمیت ویژه است. به علاوه از آنجایی که بسیاری از تحولات مربوط به سفال و کاشی در این منطقه از ایران به انجام رسیده است، لذا داده‌های حاصل از مطالعه سفال و کاشی این محوطه، دارای اهمیت خاصی در تحقیقات باستان‌شناختی است.

بررسی توزیع، تراکم، فرم، ابعاد، احجام و وسعت حوزه پراکنش آثار معماری روشن ساخت که این دو محوطه در اصل دو شهر مستقل از هم بوده و هر کدام همانند سایر شهرهای عصر ساسانی به مرکزیت یک قلعه حکومتی احداث شده بودند. یافته‌های فرهنگی منقول تا حدودی عملکرد محله‌ها را معین و روشن ساختند که هر دو شهر از عناصری از قبیل بازار، مسجد، حمام و ... بهره داشتند. اگر چه به دلیل محدود بودن کاوش‌ها هنوز اطلاعاتی از جریانات فضاهاى مذکور در دست نیست، لیکن بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعه داده‌های سطحی، به طور فرضی محلهایی برای آنها در نظر گرفته شده است.

در مجموع، داده‌های این دو محوطه بر این واقعیت صحنه می‌نهند که هر دو از دوره ساسانی برای سکونت مورد توجه قرار گرفته و استقرار در آنها حدوداً هفت قرن استمرار یافته است.

شواهد باستان‌شناختی همچنین از ترک آگاهانه این محوطه‌ها حکایت دارند. از آنجایی که هیچ شاهی بر وقوع اتفاقات قهرآمیز طبیعی که موجبات ترک شهرها را فراهم آورده باشد به دست نیامده، چنین به نظر می‌رسد که ساکنان آنها در اثر مشکلاتی نظیر کمبود منابع آب (قنات) به تدریج درصدد ترک کاشانه خود به سوی اماکنی آبادتر برآمده‌اند.

اگرچه متعاقب سقوط ساسانیان و اضمحلال سازمان اجتماعی مردمان ایران، لطمات شدیدی بر پیکره شهرهای این کشور وارد گشته بود، لیکن نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، انجام فعالیت‌های مدنی را با مشکل مواجه می‌ساخت و در نتیجه سکونت در شهرها را برای ساکنانشان غیرقابل تحمل می‌نمود؛ اتفاقی که زندگی را برای ساکنان شهرهای مورد مطالعه، دشوار و نهایتاً با لشکرکشی پادشاه سلجوقی آنها را ناگزیر به مهاجرت نموده و بر حیات شهر، خط بطلان کشیده است.

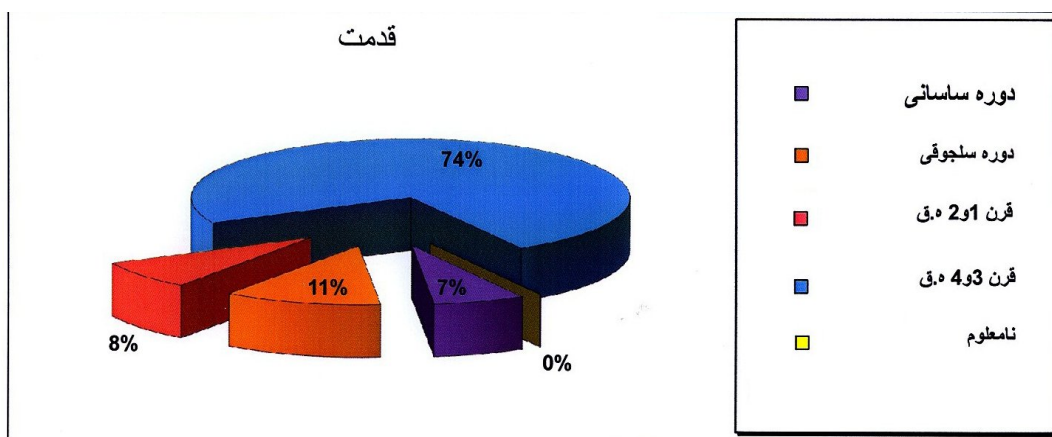
### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- این برنامه روشمند پژوهشی در زمستان ۱۳۸۵ با شرکت تعدادی از دانشجویان دکترا و کارشناسی ارشد گروه باستانشناسی دانشگاه تهران تحت نظر و راهنمایی ریاست وقت مؤسسه باستانشناسی دانشگاه تهران (آقای دکتر حسن کریمیان) به اجرا درآمد.  
- محوطه‌های مورد مطالعه پس از بازدیدهای نگارنده دوم مقاله حاضر به دلیل وصول گزارشهایی مبنی بر انجام حفاری‌های غیر مجاز گسترده در بیابانهای جنوبی شهر آران و بیدگل در زمستان ۱۳۸۴ محوطه مذکور مورد شناسایی قرار گرفتند و با توجه به سر بار بودن داده‌های فرهنگی پراکنده در منطقه، برنامه پژوهشی شناسایی و بررسی باستانشناسی آن به سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع استان اصفهان ارائه و با اخذ مجوز و تخصیص بودجه مقدمات اجرای آن برنامه فراهم آمد.
- ۲- دانشجویان شرکت کننده در این بررسی عبارت بودند از خانمها سادات بیدگلی، الهه رضایی، مریم دهقان و آقایان عباس چاپاریان، عزیزاله حاتم پور و شیدار باستانی که بدین‌وسیله از زحمات تمامی آنها و همچنین اعضای انجمن دوستداران میراث فرهنگی بیدگل سپاسگزاری می‌شود.
- ۳- و امدهم خوارزمشاه بخيله  
خیلا کاسراب القطا مېثوئه  
عکرواعلی فین و خذها حمله  
و علی انوشاباد دارت دوره  
فتساندوا و تلاحق الفتیان  
متسربلین سرائل العصیان  
لم بترکوا فیها سوی الحیطان  
خرّوا لهدتها علی الاذنان  
و هراسکان فلا تسل ما نابها  
و بویگل نزل العناء العانی (الحسنی الراوندی القاسانی، ۱۳۳۴: ۸۴)
- ۴- نامی است بومی، برای روشی از اجرای طاق مشابه آنچه به «طاق رومی» شهرت یافته است.
- ۵- این گمانه‌های آزمایشی توسط نگارنده دوم این نوشتار به منظور تعیین حریم محوطه ویگل در زمستان سال ۱۳۸۷ به مدت چهل روز به انجام رسید که طی آن داده‌های ارزشمندی در گاه نگاری محوطه در اختیار قرار گرفت.
- ۶- ابوالقاسمی، لطیف، «هنجار شکل یابی در معماری اسلامی ایران»، در کیانی، محمد یوسف. معماری ایران در دوران اسلامی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.

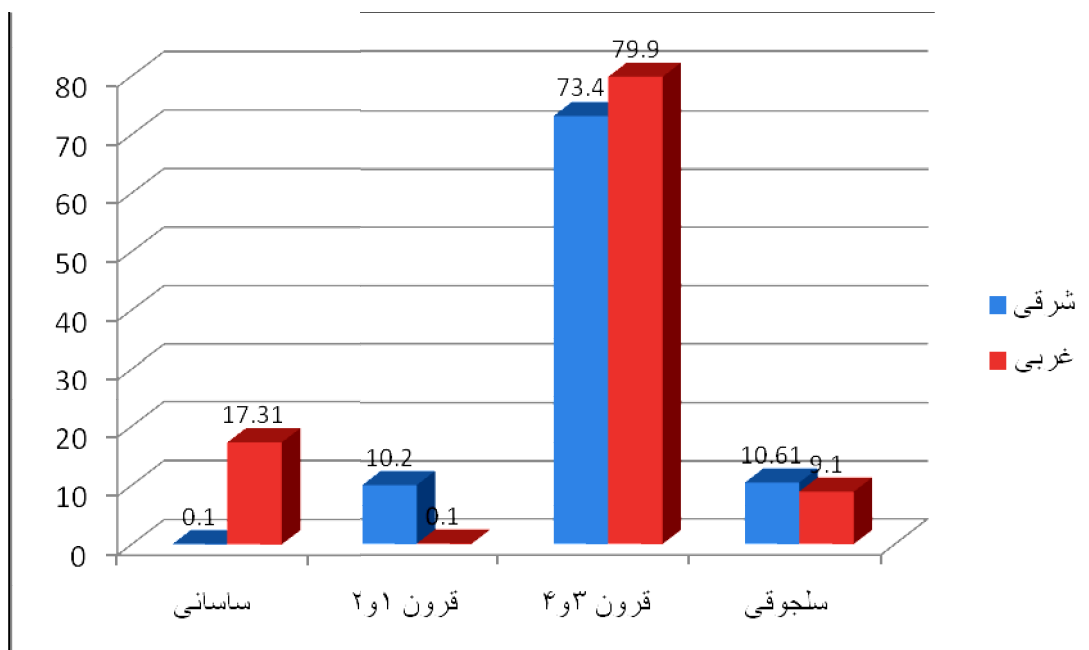


### منابع:

- ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۶۶) «هنجار شکل یابی در معماری اسلامی ایران»، در: *معماری ایران در دوران اسلامی*، کیانی، محمد یوسف، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- الحسنی الراوندی القاسانی، ضیاء الدین ابی الرضا (۱۳۸۴) *دیوان*، تصحیح سید جلال الدین ارموی، تهران، مجلس.
- حکمتی، شیوا و کبیر، اختر، «فضای اندیشه‌ای - ذهنی، فضای کالبدی - شهری»، *مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهر سازی ارگ بم*، جلد چهارم، صص ۸۳-۹۸.
- فلامکی، منصور (۱۳۶۶) «شکل‌گیری شهرهای ایران»، در: *شهرهای ایران*، کیانی، محمدیوسف، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، صص ۱-۲۱.
- کریمیان، حسن، «هویت کالبدی و بصری شهرهای ساسانیان، در «مجموعه مقالات سومین کنگره معماری شهرسازی ارگ بم» جلد پنجم، صص ۵-۶.
- پرتوی، «تداوم تاریخی در معماری شهرسازی ایران»، *مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی ارگ بم*، جلد چهارم، صص ۱۸۶-۱۶۴.
- Karimian H. (2010) "Cities and social order in Sasanian Iran – the archaeological potential", *Antiquity* 84: 453-466.



نمودار شماره ۱: توزیع زمانی داده‌های سفالی محوطه شرقی



نمودار شماره ۲: مقایسه کمیت داده‌های فرهنگی در محوطه‌های ویگل و هراسکان





